



الوند بهاری

توانمندی زبان فارسی

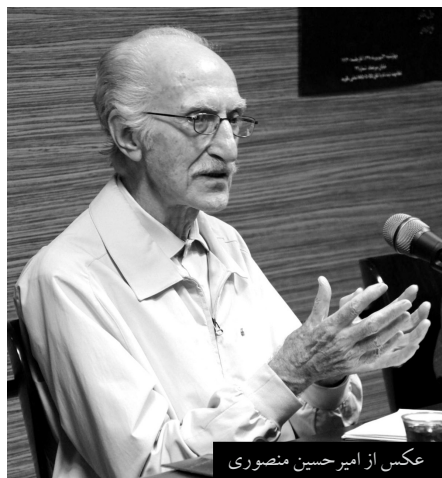
گزارش سخنرانی ابوالحسن نجفی

ششمین هم‌اندیشی ویرایش انتشارات فتی ایران، عصر چهارشنبه، ۳۰ شهریور ۱۳۹۰، با استقبال چشمگیر مخاطبان، در دفتر این انتشارات برگزار شد. این نشست به سخنرانی استاد ابوالحسن نجفی با موضوع «امکانات زبان فارسی» اختصاص یافته بود. ایشان در آغاز بحث، «توانمندی زبان فارسی» را عنوان مناسب‌تری برای این بحث دانستند و افزودند که در این فرصت کوتاه، حتی «شاره» به تمام مطالب ممکن نیست و تنها بعضی نکات را می‌شود بررسی کرد. بدیهی است در این مجال هم نمی‌توان تمام سخنان ایشان را گزارش کرد؛ اما اهم نکات را مرور می‌کنیم تا علاقه‌مندانی که حاضر نبودند، «هم به قدر تشنگی» از سخنان ایشان برخوردار شوند.

ایشان بحث را با مقدمه‌ای درباره زبان فارسی و ورود واژه‌های دخیل به آن آغاز کردند:

زبان فارسی و مفاهیم جدید

زبان فارسی شاید نزدیک ۱۵۰۰ یا ۱۶۰۰ سال سابقه دارد؛ یعنی از اواخر دوره ساسانیان زبان گفتار مردم بوده است. از قرن سوم هجری این زبان به زبان نوشتاری تبدیل شد و به لغات بیشتری نیاز پیدا کرد. این لغات را از زبان‌های دیگر (بیشتر عربی) گرفتند. پس از این تحولات شدید - یعنی از قرن سوم و چهارم به بعد - یک دوره ثبات (تحول آهسته و پذیرش واژه‌های اندک بیگانه) آغاز می‌شود که تا قرن نوزدهم میلادی ادامه می‌یابد. در اوایل قرن نوزدهم، که آغاز ورود مصنوعات و اختراعات غربی به ایران است، وضع تغییر می‌کند. در این دوره، مردم با شیوه و سلیقه خودشان مصنوعات فرنگی را که وارد ایران می‌شد، نام‌گذاری می‌کردند. بعد از آن، به دوره‌ای می‌رسیم که واژه‌های تازه با «گرت‌برداری» ساخته می‌شد. گرت‌برداری



عکس از امیرحسین منصوری

چنین بود که اجزای کلمه را به واحدهای معنایی تقسیم می‌کردند و به‌جای هر کدام از این واحدها، معادل فارسی آن را قرار می‌دادند. برخی واژه‌ها را به این طریق ساخته‌اند:

pomme de terre: سیب زمینی (سیب) de (کسره اضافه) terre (زمین)
chemin de fer: (آهن) fer (کسره اضافه) de (راه) chemin راه آهن

اینها البته پاسخگوی نیازها نبود. سیل ورود مصنوعات و مفاهیم غربی به کشور باعث شده بود که در بسیاری موارد، عین واژه فرنگی را به کار ببرند. البته کوشش‌هایی برای ساختن معادل فارسی انجام می‌گرفت؛ اما چندان مؤثر نبود و بسیاری از واژه‌های زبان‌های اروپایی وارد زبان فارسی شد. تا آنکه عده‌ای از فضلا دور هم جمع شدند تا - برای حفظ زبان فارسی - معادل‌هایی برای این لغات بسازند. این آغاز «فرهنگستان» در ایران بود. فرهنگستان اول در سال ۱۳۱۴ شمسی تأسیس شد. قبل از آن هم گروه‌هایی، مثلاً در ارتش، بودند که معادل‌های فارسی برای برخی واژه‌های دخیل ساخته بودند. فرهنگستان اول لغات بسیاری ساخت که امروز هم به کار می‌رود؛ از جمله:

ایستگاه، فرودگاه، دادگستری، دادستان، گذرنامه، سرشماری، آتش‌نشانی، هواپیما، خودرو و ورود روزافزون واژه‌های بیگانه بتدریج این تصوّر نادرست را ایجاد کرد که زبان فارسی زبانی ضعیف است. حتی کار به جایی رسید که بعضی از روشنفکران پیشنهاد کردند زبان انگلیسی را به عنوان زبان علم در ایران بپذیریم و علوم را به آن زبان تدریس کنیم. غافل از اینکه اغلب کشورهای غربی که چنین کردند، علاوه بر لطماتی که به زبان خود وارد کردند، در همان علوم هم تبدیل به مصرف‌کننده شدند و موفق به پیشرفت و تولید در عرصه علم نشدند. کسانی که چنین پیشنهادی کردند از این نکته هم غافل بودند که بسیاری از زبان‌های

غربی نیز در آغاز پیدایش مفاهیم و ورود مصنوعات جدید، دچار همین مشکل بودند و با استفاده از امکانات و توانایی‌های موجود در زبان خود، بر این مشکل غلبه کردند.

توانمندی زبان فارسی

استاد نجفی، در آغاز، سه منبع اصلی برای تقویت زبان فارسی برشمردند:

۱- اشتقاق افعال بسیط. ۲- پیشوندها و پسوندها. ۳- ترکیب‌سازی.

اولین منبع، اشتقاق افعال بسیط است. زبان فارسی در آغاز دارای چنددهزار فعل بسیط بوده است. عمده این فعل‌های بسیط، بتدریج، یا فراموش شد یا مبدل به فعل‌های مرکب. البته بعضی معتقدند این افعال مرکب موجب تقویت زبان فارسی شده است. در هر حال، امروز از آن چنددهزار فعل بسیط، فقط حدود ۲۷۰ فعل باقی مانده است که در زبان گفتار و نوشتار به کار می‌رود. البته در زبان گفتار فقط ۱۱۵ فعل از این ۲۷۰ فعل به کار می‌رود و بقیه مختص زبان نوشتار است.

افعال بسیط فراموش شده را می‌توان در صورت نیاز زنده کرد و دوباره به کار برد. فقط از فعل بسیط است که می‌توان مشتق ساخت. هر فعل بسیط دست‌کم دارای ۳۰ وجه اشتقاق است؛ که عملاً هیچ فعل بسیطی نیست که از تمام ۳۰ وجه اشتقاق آن استفاده شده باشد. در این باره کتابی هست که کمتر مورد توجه و استناد قرار گرفته است. کتاب ده جلدی فرهنگ مشتقات مصادر فارسی، تألیف دکتر کامیاب خلیلی؛ که در آن وجوه مشتقات هر فعل - که در متون قدیم و جدید به کار رفته - در جدول‌هایی تنظیم شده است. برای نمونه می‌توان مشتقات فعل «نمودن» را بررسی کرد:

نما / نمایش / نمایه / نمایگی / نمایی / نمایان / نماینده / نمایندگی / نمود / نمودار / نمودنی / نموده / نمودگی / نماییدن / نماییده / نمایاندن / نمایان

به این‌ها می‌توان «نماد» را هم، که در بیست-سی سال اخیر در معنای «سمبل» به کار رفته است، اضافه کرد.

ایشان در ادامه، برای نمونه، «اسم مصدر» را برگزیدند و درباب آن توضیحاتی دادند. سپس به «مصدرهای جعلی» (برساخته) اشاره کردند و نمونه‌های بسیاری برای آن، در زبان عامیانه، برشمردند و افزودند که در گذشته، با بسیاری از اسم‌های عربی، چنین مصدرهایی ساخته شده و رواج یافته است؛ از جمله «فهم» که از آن «فهمیدن» را ساخته‌اند. اما چرا این شیوه ادامه نیافت و امروز اگر چنین مصداری بخواهد ساخته شود، با اعتراض روشنفکران روبه‌رو می‌شود؟ شاید یک علتش این باشد که این مصدرها در زبان گفتار - و در

مواردی، به طنز- به کار رفته است و این سابقه باعث می‌شود چنین واژگانی را جدی نگیرند و «فخیم» نشمارند.

در بحث اشتقاق‌های افعال بسیط، ایشان به نکته دیگری هم اشاره کردند و آن «فعل‌های سببی» بود. فعل سببی از «بن فعل + آندن» ساخته می‌شود و متضمن مفهوم «وادار کردن» یا «دستور دادن» است. با این امکان می‌توان از بعضی از افعال لازم، فعل متعدی ساخت یا فعل متعدی را به متعدی مجدد [افعال «دو مفعولی» یا افعال «گذرا به مفعول و متمم»] تبدیل کرد. ایشان نمونه‌هایی از فعل‌های سببی موجود در زبان امروز و فعل‌های سببی بالقوه، که می‌توان ساخت و به کار برد، ذکر کردند.

دومین منبع از منابع سه‌گانه، پیشوندها و پسوندهای زبان فارسی‌اند. در فارسی، ظاهراً بیش از پنج یا شش پیشوند نداریم. هرچند بعضی محققان تعداد آن‌ها را تا بیش از ۲۰ هم نوشته‌اند. اما تعداد پسوندها بسیار بیشتر است و شاید متجاوز از ۷۰ باشد. پسوندها از سرشارترین منابع واژه‌سازی‌اند.

ایشان، برای نمونه، پسوند «گاه» را برگزیدند و فهرستی از حدود ۶۰ اسم که در آنها پسوند «گاه» به کار رفته است، ذکر کردند که آنها را فقط در زمانی حدود ۱۵ دقیقه، از حافظه و با مراجعه به متون، یافته و نوشته بودند و تعداد واژگانی که با این پسوند می‌توان ساخت، بسیار بیش از این است. سپس چند واژه برساخته فرهنگستان اول و نیز واژگان برساخته این سال‌ها را مثال زدند که «گاه» در آنها به کار رفته است و همگی رواج یافته‌اند.

استاد نجفی ترکیب‌سازی (کلمات مرکب) را سومین و سرشارترین منبع بهره‌گیری از توانمندی زبان فارسی خواندند. تعداد واژه‌های مرکب در زبان فارسی، تقریباً برابر واژه‌های بسیط است. با بررسی فرهنگ‌های لغت خواهیم دید که تقریباً ۵۵ درصد واژه‌ها بسیط است و ۴۵ درصد آن‌ها مرکب.

می‌توان گفت فهرست واژه‌های مرکب در زبان فارسی همیشه باز است و هرگز به نقطه پایان نمی‌رسد. در حقیقت، بزرگ‌ترین قدرت زبان فارسی، قدرت ترکیب‌سازی است. ایشان همچنین تکه‌ای از یک مقاله ویلیام جونز و بندهایی از دستور زبان فارسی الکساندر خوجکو- که کتابش را به زبان فرانسوی نوشته است- قرائت کردند که هر دو پژوهشگر با ستایش توانایی ترکیب‌سازی در زبان فارسی، تنوع و تعدد واژگان مرکب را از گنجینه‌های این زبان برشمرده بودند.

ایشان نمونه‌هایی هم از ترکیب‌های زبان فارسی ادبی خواندند، ترکیب‌هایی که از سروده‌های شاعران قدیم و جدید استخراج کرده بودند؛ از جمله:

شرابِ خانگیِ ترسِ محتسب خورده/ به روی یار بنوشیم و بانگِ نوشانوش (حافظ)
گفتن از زنبور بی حاصل بُود/ با یکی در عمر خود ناخورده نیش (سعدی)
اگر در جهان از جهان رسته‌ای است / در از خلق بر خویشتن بسته‌ای است (سعدی)
پرندگانِ پر و بالتانِ نیسته هنوز! / از آن سویِ قفس، از باغ، از چمن چه خیر؟ (حسین منزوی)

توانمندی زبان فارسی در ترجمه

از «واژگان» که بگذریم، در مواردی دیگر هم زبان فارسی با آتمام ضعف مواجه بوده است. در ترجمه، بخصوص ترجمه ادبی، پیچیدگی‌هایی هست؛ از جمله در نحو کلام. از بسیاری از مترجمان متون علمی اگر بپرسید، خواهند گفت که اگرچه این متون را بسادگی ترجمه می‌کنند، ممکن است از عهده ترجمه یک داستان کوتاه برنمایند. زبان فارسی با دیگر زبان‌های هندواروپایی تفاوت‌هایی دارد؛ از جمله در نحو. میان این زبان‌ها در چینش ارکان جمله تفاوت‌هایی هست. فرض کنید یک جمله انگلیسی داریم:

The hunter kills the lion.

شکارچی شیر را می‌کشد.

در انگلیسی، اگر ترتیب کلمات را بررسی کنیم، می‌گوییم «شکارچی می‌کشد شیر». در جمله فارسی می‌بینیم که اولاً فعل در آخر جمله می‌آید، ثانیاً یک «را» هم هست که در انگلیسی معادلش را نداریم. حالا جای بعضی کلمات را عوض می‌کنیم و این جمله را می‌سازیم:

The lion is killed by the hunter.

برای ترجمه این جمله، کافی است جای «را» را در جمله قبل عوض کنیم:

شیر را شکارچی می‌کشد.

یعنی ما با جابه‌جا کردن «را» این تفاوت را بیان می‌کنیم و آنها - علاوه بر جابه‌جا کردن کلمات - با استفاده از فعل مجهول به جای فعل معلوم.

بعضی مترجمان، برای حفظ امانت، جمله را به این صورت ترجمه می‌کنند:

شیر توسط شکارچی کشته می‌شود

این شیوه، که در فارسی سابقه نداشته، کم‌کم بر اثر ترجمه جا افتاده است. درست است که فعل مجهول (کشته شد) در فارسی موجود بوده است؛ اما هرگز به این صورت که جمله را با «نائب فاعل» شروع کنند و پس از آن «توسط» بیاورند، سابقه نداشته است. بحث بر سر واژه «توسط» نیست. این فرم نحوی در فارسی نبوده و بر اثر ترجمه وارد شده است. صحیح‌تر آن بود که از همان «را» استفاده می‌کردند.

اما این ساده‌ترین نوع جمله بود. جمله‌های پیچیده‌تری هست که ترجمه تحت‌اللفظی آن‌ها نادیده گرفتن امکانات زبان فارسی است. بحث درباره تمام این نکات از حوصله این جلسه بیرون است و چندین جلسه زمان می‌طلبد.

در جستجوی زمان از دست‌رفته، نوشته مارسل پروست، از معروف‌ترین رمان‌های جهان است. سبک پروست چنین است که جملات طولانی به کار می‌برد. گاهی، بی‌اغراق، جمله‌ای تمام یک صفحه و نیمی از صفحه بعد را پر کرده است تا به آخر برسد. در زبان‌های اروپایی خیلی راحت می‌شود این کار را کرد و مشکلی هم پیش نمی‌آید. مترجم این رمان به فارسی، مرحوم مهدی سحابی، برای ترجمه کردنش زحمت بسیار کشید تا سبک پروست را حفظ کند. نتیجه این شد که او هم جملات فارسی طولانی آورد؛ اما امانتداری فقط حفظ شکل ظاهری جمله‌ها نیست. اگر فکر کنیم خواننده فرانسوی زبان جمله‌های طولانی پروست را راحت می‌تواند بخواند، امانتداری این است که خواننده فارسی‌زبان هم - تقریباً - به همان راحتی بتواند جمله‌های ترجمه شده را بخواند و بفهمد.

دیگر آنکه، «فرهنگ لغت» فقط واژگان را در اختیار مترجم می‌گذارد و نحو زبان را به او نمی‌آموزد. فرهنگ‌های دوزبانه تمام امکانات واژگانی را هم در اختیار مترجم نمی‌گذارند؛ یعنی ممکن است فرهنگ دوزبانه انگلیسی - فارسی تمام امکانات واژگانی زبان انگلیسی را در اختیار مترجم بگذارد، ولی تمام امکانات زبان فارسی را نه. عمده امکانات زبان فارسی در این فرهنگ‌های دوزبانه منعکس نشده و قرار هم نبوده است منعکس شود. در نتیجه، نه تنها واژگانی که فارغ‌التحصیلان امروز در ذهن دارند محدودتر از گذشتگان است، بلکه بسیاری از امکانات زبان فارسی هم - چون عیناً معادلی در انگلیسی ندارند - فراموش شده‌اند.

سخن آخر

استاد نجفی، با اشاره به این که لااقل از ۱۲۰۰ سال قبل اسناد مکتوب فارسی باقی مانده است، یادآوری کردند که امروز آثار گذشتگان را با اندکی راهنمایی می‌توانیم بخوانیم و بفهمیم. تفسیرهای کهن، کتاب‌های تاریخی و دیگر متون قدیمی را با اندکی دقت و اندکی آموزش، شاگردان مدرسه هم می‌توانند بفهمند. عده‌ای معتقدند زبان فارسی تحول پیدا نکرده و زبانی متحجر است که ما می‌توانیم متون چند قرن پیش را بفهمیم. اما این ساده‌بینی است. اگر کسانی که هزار سال پیش آن کتاب‌ها را نوشته‌اند، ناگهان بر اثر معجزه‌ای زنده می‌شدند، حرف‌ها و نوشته‌های ما را نمی‌فهمیدند. زبان ما، در این چند قرن، آن قدر تغییر کرده است که آن‌ها مسلماً نمی‌توانستند گفته‌ها و نوشته‌های ما را بفهمند؛ ولی ما نوشته‌های آنان را

می‌فهمیم. این یک امتیاز بزرگ است برای فارسی‌زبانان. هیچ زبان دیگری دارای این امتیاز بزرگ نیست. خوب است در ترجمه‌ها و در نوشته‌ها مان قدر این زبان را بدانیم و در حدّ توان خود، در حفظ آن بکوشیم.

همهٔ آنان که یک‌ساعت و نیم گوش به سخنان ابوالحسن نجفی سپردند و در پایان جلسه خشنود بودند، صدای تشویق پرشورشان که در ساختمان طنین افکنده بود، شاید در این فکر بودند که کاش، در دوره‌ای مفصل، این درس را از ایشان می‌شنیدند و می‌آموختند. ^۵